

یادداشت

جامعه‌ای که دیگر منتظر نمی‌ماند

سیدمهرداد بنی‌هاشمی‌کنگنی: آدم‌ها فقط با آنچه امروز دارند زندگی نمی‌کنند. بخش مهمی از زندگی انسان به چیزی وابسته است که هنوز نیامده: فردا. دانشجویی که سال‌ها درس می‌خواند، کارمندی که بخشی از درآمدش را کنار می‌گذارد، زوجی که برای خرید خانه برنامه می‌ریزد یا خانواده‌ای که درباره داشتن فرزند تصمیم می‌گیرد، همگی روی یک فرض ساده حساب می‌کنند: آنچه امروز برایش تصمیم می‌گیرند، فردا هنوز معنا خواهد داشت. اما وقتی این فرض بارها و بارها در معرض تغییر قرار می‌گیرد، فقط شرایط زندگی دشوار نمی‌شود؛ منطق انتخاب‌کردن تغییر می‌کند. وقتی برنامه‌ریزی جای خود را به احتیاط می‌هد، هیچ‌کس آینده را دقیق نمی‌داند. مسئله ندانستن نیست؛ مسئله زمانی آغاز می‌شود که فرد احساس کند حتی نمی‌تواند حدود فردا را تخمین بزند. در چنین وضعی، تصمیم‌های بزرگ پرهزینه‌تر به نظر می‌رسند. راه‌اندازی یک کسب‌وکار، خرید خانه، تغییر شغل یا حتی تشکیل خانواده، نیازمند محاسبه‌ای است که اگر متغیرهای اصلی دائماً تغییر کنند، دشوار می‌شود. نتیجه الزاماً اعتراض یا ناامیدی نیست؛ گاهی واکنش بسیار ساده‌تر است: تصمیم‌نگرفتن. تصمیم به تعویق می‌افتد، سرمایه حفظ می‌شود، ریسک کاهش پیدا می‌کند و فرد ترجیح می‌دهد گزینه‌های خود را باز نگه دارد. این رفتار از منظر فردی قابل فهم است، اما وقتی به رفتار میلیون‌ها نفر تبدیل شود، پیامد آن دیگر فردی نیست.

هزینه اجتماعی تعویق

جامعه برای پیشرفت به تصمیم‌هایی نیاز دارد که نتیجه آنها فوری نیست. کسب‌وکار، آموزش، تشکیل خانواده، سرمایه‌گذاری و مشارکت مدنی، همگی به نوعی تعهد نسبت به آینده نیاز دارند. اگر افراد دائماً احساس کنند شرایط ممکن است پیش از رسیدن نتیجه تغییر کند، طبیعی است محافظه‌کارتر شوند. در این شرایط، بخشی از انرژی جامعه به‌جای تولید و ساختن، صرف حفظ موقعیت موجود می‌شود. این تغییر را می‌توان در بسیاری از رفتارهای اجتماعی دید: جوانی که ازدواج را عقب می‌اندازد، نیروی متخصصی که مهاجرت را جدی‌تر بررسی می‌کند، سرمایه‌گذاری که ترجیح می‌دهد سرمایه خود را از فعالیت‌های پرریسک دور کند یا شهروندی که دیگر برای حضور در امور عمومی انگیزه سابق را ندارد. هیچ‌یک از این رفتارها را نمی‌توان با یک علت توضیح داد، اما کنار هم قرارگرفتن آنها می‌تواند نشانه یک تغییر عمیق‌تر باشد: کاهش تمایل به تعهدات بلندمدت.

اعتماد چگونه فرسوده می‌شود؟

در این میان، مسئله فقط اعتماد نیست؛ قابلیت پیش‌بینی رفتار نهادها نیز اهمیت دارد. شهروند زمانی می‌تواند بر یک قانون، سیاست یا نهاد حساب کند که میان تصمیم و نتیجه رابطهای نسبتاً روشن وجود داشته باشد. وقتی این رابطه مرتب دستخوش تغییر شود، تجربه گذشته دیگر راهنمای مطمئنی برای تصمیم آینده نیست. در چنین فضایی، اعتماد به‌تدریج هزینه‌بر می‌شود؛ یعنی فرد برای اعتمادکردن، شواهد بیشتری طلب می‌کند و در برابر وعده‌ها محتاط‌تر می‌شود. این وضعیت زمانی پیچیده‌تر می‌شود که شهروند احساس کند حتی مشارکت او نیز تأثیر چندانی بر نتیجه ندارد. اینجا مسئله از «اعتماد ندارم» به «انژنگدار نیستم» تغییر می‌کند. این تغییر مهم است؛ زیرا بی‌اعتمادی ممکن است فرد را منتقد کند، اما احساس بی‌اثری می‌تواند او را از مشارکت کنار بکشد.

جامعه‌ای که مسیر خود را جدا می‌کند

وقتی اطمینان به قواعد عمومی کاهش یابد، افراد بیشتر تلاش می‌کنند زندگی خود را مستقل از محیط پیرامون مدیریت کنند. مهاجرت می‌تواند به راهی برای دستیابی به ثبات تبدیل شود. نگهداری دارایی می‌تواند جای سرمایه‌گذاری مولد را بگیرد. شبکه‌های شخصی و خانوادگی ممکن است بیش از نهادهای عمومی اهمیت پیدا کنند و هرکس به دنبال ساختن یک «حاشیه امن» برای زندگی خود باشد. این روند الزاماً با صدای بلند اتفاق نمی‌افتد. ممکن است خیابان آرام باشد، اما در تصمیم‌های مردم تغییر بزرگی رخ داده باشد. جامعه می‌تواند بدون آنکه فریاد بزند، از آینده‌ای که به آن اعتماد ندارد فاصله بگیرد.

وقتی انتظار از جامعه‌گرفته می‌شود

شاید یکی از عمیق‌ترین نشانه‌های بحران اجتماعی، افزایش اعتراض یا ناراضایی نباشد؛ زمانی باشد که افراد دیگر حاضر نباشند زندگی خود را به تغییرات آینده گره بزنند. در این مرحله، آدم‌ها الزاماً خشمگین نیستند؛ ممکن است فقط محتاط‌تر شده باشند، کمتر تعهد دهند، کمتر ریسک کنند و بیشتر به فکر راه نجات شخصی باشند. اینجااست که مسئله از یک بحران اقتصادی یا سیاسی فراتر می‌رود. جامعه‌ای که هرکس در آن فقط به فکر نجات فردی خود باشد، به‌تدریج توان ساختن آینده مشترک را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، سخن‌گفتن از «امید» به‌تنهایی کافی نیست. انسان زمانی برای فردا برنامه می‌ریزد که بتواند حداقلی از ثبات را تجربه کند؛ بداند قانون ناگهان بی‌اعتبار نمی‌شود، تصمیم اقتصادی‌اش در فاصله کوتاه دگرگون نمی‌شود و مشارکت او می‌تواند نتیجه‌ای واقعی داشته باشد. بنابراین بازسازی افق اجتماعی بیش از آنکه به شعار نیاز داشته باشد، به ثبات، شفافیت، پاسخ‌گویی و امکان اثرگذاری نیاز دارد. اعتماد چیزی نیست که بتوان آن را مطالبه کرد؛ باید آن را در تجربه روزمره ساخت.

یادداشت کامل را در سایت شرق بخوانید

افقی:

۱- کودال طبیعی پرشده از برف- گرماسنج ۲-

لباس سنتی زنان ژاپنی- کندزبان- قدرت و تحمل

۳- تکخال- بزرگ ایل و طایفه- دوری و فراق

۴- تکیه‌گاه پای دوچرخه‌سوار- خنودک‌های ممکن است فقط محتاط‌تر شده باشند، کمتر تعهد دهند، کمتر ریسک کنند و بیشتر به فکر راه نجات شخصی باشند. اینجااست که مسئله از یک بحران اقتصادی یا سیاسی فراتر می‌رود. جامعه‌ای که هرکس در آن فقط به فکر نجات فردی خود باشد، به‌تدریج توان ساختن آینده مشترک را از دست می‌دهد. در چنین شرایطی، سخن‌گفتن از «امید» به‌تنهایی کافی نیست. انسان زمانی برای فردا برنامه می‌ریزد که بتواند حداقلی از ثبات را تجربه کند؛ بداند قانون ناگهان بی‌اعتبار نمی‌شود، تصمیم اقتصادی‌اش در فاصله کوتاه دگرگون نمی‌شود و مشارکت او می‌تواند نتیجه‌ای واقعی داشته باشد. بنابراین بازسازی افق اجتماعی بیش از آنکه به شعار نیاز داشته باشد، به ثبات، شفافیت، پاسخ‌گویی و امکان اثرگذاری نیاز دارد. اعتماد چیزی نیست که بتوان آن را مطالبه کرد؛ باید آن را در تجربه روزمره ساخت.

پرداخت وچه به حساب بانکی ۵- چپاول- محله

صدمیدان شمال شرق تهران ۶- مجموعه‌داستانی

نوشته منیرو روانی‌پور- نیاز- قوم حضرت

موسی(ع) ۷- حاصل تأثیر چند عامل- غرامت- از

الغای انگلیسی ۸- ضمیر اشاره- از ورزش‌های

نوین- تخته هالتر ۹- پنج ترکی- نوعی قایق

پارویی- چهارمین پادشاه کیانی ۱۰- زندگی مرفه-

بدزبان و بی‌حی- مشترک روزنامه ۱۱- مصونیت

از خطر- دستمال ۱۲- از سازهای بادی محلی

موسیقی سنتی ایران- چوب‌تراش- از القاب امرای

ترک ۱۳- حیوان حيله‌گر- دیوانه- سوسن زرد ۱۴-

پسر- ورزش جسمی و روحی شبه‌قاره هند- اسب

ماده ۱۵- از اولین مراکز تجاری در تهران قدیم بود-

از خورش‌های محلی پاکستان

عمودی:

۱- نشانه‌ای تغییردهنده در نت‌نویسی موسیقی-

از غذاهای محلی گیلان- بنابر این ۲- اقدام به کار

خطرناک- گفتار متن- مطالعه اجمالی ۳- دهان-

آوردن- دهم ماه محرم ۴- از آیین‌های نمایشی رزمی

خراسان- به‌سختی یافت می‌شود ۵- مقابل اینک-

هدیه چهره‌گشایی عروس- شهر جهانی انگور در

استان همدان ۶- قایق پارویی- پویه‌کردن- رقیب

زن شوهردار ۷- برتر- آینه زندگی گذشتگان- هریک

از اخلاط چهارگانه طب قدیم ۸- کشف‌کننده-

نرم‌افزار نقشه‌کشی- داستان بلند ۹- خاندان- از

مقایسه آرامکو و شرکت ملی نفت ایران

www.sharghdaily.com

یکشنبه

۲۲ شهریور ۱۴۰۵

سال بیست‌وسوم • شماره ۵۴۷۲

مقایسه آرامکو و شرکت ملی نفت ایران

مهدی افشارنیک: آرامکو در گزارش پایداری ۲۰۲۵ خود اعلام کرده است در این سال ۵۴۱ میلیون دلار «سرمایه‌گذاری اجتماعی» انجام داده؛ رقمی که در سال ۲۰۲۴ حدود ۵۸۳ میلیون دلار و در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۷۵ میلیون دلار بوده است. این عدد، طبق تعریف خود آرامکو، شاخصی در گزارش پایداری شرکت است؛ نه یک ردیف مستقل در صورت‌های مالی حسابرسی‌شده. بنابراین نمی‌توان آن را بدون دانستن روش محاسبه، دامنه هزینه‌ها و تعریف «سرمایه‌گذاری اجتماعی» با بودجه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های دیگر مقایسه کرد. با این حال، اهمیت گزارش آرامکو فقط در اعلام این رقم نیست. شرکت توضیح می‌دهد این منابع در چه حوزه‌هایی هزینه شده، چه گروه‌هایی از آنها بهره برده‌اند، چه اهدافی دنبال شده و عملکرد شرکت در شاخص‌هایی مانند اشتغال، بومی‌سازی، آموزش، تنوع زیستی، مصرف آب، بازیافت پسماند و نشست‌های هیدروکربنی چگونه بوده است. در مقابل، درباره شرکت ملی نفت ایران گزارش عمومی، منظم و قابل مقایسه‌ای با چنین سطحی از جزئیات در دسترس نیست. ممکن است شرکت ملی نفت، وزارت نفت، شرکت‌های تابعه یا نهاد‌های محلی از اجرای پروژه‌هایی مانند ساخت مدرسه، توسعه راه، آبرسانی، تجهیز مراکز درمانی یا حمایت از مناطق نفت‌خیز خبر بدهند؛ اما این اطلاعات معمولاً در قالب یک گزارش سالانه و جامع منتشر نمی‌شود که در آن بودجه، اهداف، شاخص‌های عملکرد، نتایج و روند چندساله یک‌جا قابل بررسی باشد. بنابراین مقایسه مستقیم رقم ۵۴۱ میلیون دلار با شرکت ملی نفت ایران ممکن نیست؛ نه لزوماً به این دلیل که شرکت ایرانی هیچ هزینه‌ای در حوزه مسئولیت اجتماعی ندارد، بلکه به این دلیل که رقم رسمی، دامنه هزینه‌ها، روش محاسبه و نتایج آن به شکل شفاف و استاندارد گزارش نمی‌شود. مسئله فقط نبود یک عدد نیست؛ مسئله نبود امکان پاسخ‌خواهی است.

آرامکو در گزارش خود میان سه موضوع تفاوت می‌گذارد: سرمایه‌گذاری اجتماعی، اثر اقتصادی عملیات و عملکرد محیط‌زیستی. این تفکیک به خواننده اجازه می‌دهد بفهمد شرکت چه مقدار برای پروژه‌های اجتماعی هزینه کرده، چه میزان ارزش اقتصادی در داخل عرستان ایجاد کرده و فعالیت‌های اصلی آن چه اثری بر محیط زیست داشته است. در مورد شرکت ملی نفت ایران، چنین تصویری به صورت عمومی و منسجم وجود ندارد. اطلاعات مربوط به مسئولیت اجتماعی معمولاً پراکنده است: بخشی در خبرهای وزارت نفت، بخشی در اطلاعیه‌های شرکت‌های تابعه، بخشی در گزارش‌های استانی و بخشی در اظهارات مدیران. اما وقتی این اطلاعات از یک گزارش واحد جمع نمی‌شود، پاسخ به پرسش‌های ساده‌ای دشوار است:

- مجموع هزینه مسئولیت اجتماعی شرکت در هر سال چقدر بوده است؟
- این هزینه‌ها در کدام استان‌ها و حوزه‌ها انجام شده‌اند؟
- چه سهمی به آموزش، سلامت، زیرساخت، محیط زیست یا توسعه اقتصادی اختصاص یافته است؟
- چند پروژه به پایان رسیده و نتیجه آنها چه بوده است؟
- این هزینه‌ها چه نسبتی با درآمد، تولید یا سرمایه‌گذاری شرکت داشته‌اند؟
- عملکرد شرکت در طول زمان بهتر شده یا ضعیف‌تر؟
- جوامع محلی چه نقشی در انتخاب و ارزیابی پروژه‌ها داشته‌اند؟
- چه نهادی بر هزینه‌کرد و نتیجه پروژه‌ها نظارت کرده است؟

در نتیجه، تفاوت اصلی میان آرامکو و شرکت ملی نفت ایران فقط در میزان احتمالی هزینه‌کرد نیست؛ در قابلیت مشاهده و ارزیابی عملکرد است.

انتقاد اول: رقم‌های بزرگ، اما تعریف‌های مهم

یکی از نقدهای مهم به گزارش‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی، از جمله آرامکو، این است که رقم‌های اعلام‌شده همیشه به‌سادگی قابل راستی‌آزمایی نیستند. «سرمایه‌گذاری اجتماعی» می‌تواند طیف گسترده‌ای از هزینه‌ها را شامل شود: کمک‌های خیریه، حمایت از آموزش و برنامه‌های محیط‌زیستی، برنامه‌های فرهنگی، هزینه‌های توسعه جوامع محلی و حتی بخشی از پروژه‌هایی که به فعالیت اقتصادی یا الزامات عملیاتی شرکت مربوط‌اند. اگر شرکت دقیقاً توضیح ندهد چه هزینه‌هایی در این رقم گنجانده شده و چه هزینه‌هایی خارج از آن قرار گرفته‌اند، عدد اعلام‌شده بیشتر از آنکه ابزار مقایسه باشد، به یک شاخص ارتباطی تبدیل می‌شود. منتقدان همچنین می‌پرسند آیا این هزینه‌ها واقعاً به نیازهای اولویت‌دار جوامع محلی پاسخ می‌دهد یا بیشتر به پروژه‌هایی اختصاص می‌یابد که برای تصویر عمومی شرکت جذاب‌ترند. ساخت یک مرکز آموزشی یا کاشت درخت، اگر بدون سنجش نیاز، ارزیابی نتیجه و برنامه نگهداری انجام شود، لزوماً به توسعه پایدار منجر نمی‌شود. از این منظر، گزارش آرامکو یک گام جلوتر از سکوت آماری است، اما پایان بحث نیست. انتشار عدد زمانی ارزش نظارتی پیدا می‌کند که تعریف، روش محاسبه، قراردادها، مجریان، نتایج و ارزیابی مستقل پروژه‌ها نیز روشن باشد.

جدول ۵۴۰۵. طراح: بیژن گورانی

مقایسه آرامکو و شرکت ملی نفت ایران

تفاوت دورویکرد در گزارش مالی مسئولیت اجتماعی

انتقاد دوم: مسئولیت اجتماعی نباید جای جبران خسارت را بگیرد

نقد مهم‌تر به شرکت‌های نفتی این است که پروژه‌های اجتماعی نباید جای مسئولیت اصلی آنها را بگیرد. یک شرکت نفتی ممکن است مدرسه بسازد، از برنامه‌های فرهنگی حمایت کند یا در پروژه‌های حفاظت از مرجان مشارکت داشته باشد؛ اما هه‌زمان با نشت نفت، آلودگی هوا، مشعل‌سوزی، مصرف بالای آب، تخریب زمین یا آسیب به معیشت جوامع محلی مواجه باشد. در چنین شرایطی، پروژه‌های می‌توانند همچنان پیرسند علت افزایش نشت‌ها چه بوده؟ شدت و محل آنها کجا عملیات شوند. آرامکو در گزارش پایداری خود برخی شاخص‌های منفی را نیز منتشر کرده است. تعداد نشت‌های هیدروکربنی از هفت مورد در سال ۲۰۲۴ به ۱۲ مورد در سال ۲۰۲۵ افزایش یافته و انتشار اکسیدهای گوگرد نیز بیشتر شده است. شرکت در عین حال اعلام کرده نرخ بازپایی مواد ناشی از نشت‌ها در سال ۲۰۲۵ به ۱۰۰ درصد رسیده است. انتشار این داده‌های منفی امکان پرسشگری ایجاد می‌کند، اما منتقدان می‌توانند همچنان پیرسند علت افزایش نشت‌ها چه بوده؟ شدت و محل آنها کجا بوده است؟ چه خسارتی به محیط زیست و جوامع محلی وارد شده؟ هزینه پاکسازی و جبران خسارت چقدر بوده؟ و آیا ارزیابی مستقلی انجام شده است؟ این پرسش‌ها درباره شرکت ملی نفت ایران جدی‌تر است؛ زیرا داده‌های یکپارچه و سالانه درباره نشت نفت، آلودگی خاک و آب، مشعل‌سوزی، انتشار آلاینده‌ها، مصرف آب، تولید پسماند و خسارت‌های واردشده به جوامع محلی به‌صورت عمومی و منظم منتشر نمی‌شود.

از خرید خارجی تا ساخت زنجیره تأمین داخلی

آرامکو برنامه ikvta را در سال ۲۰۱۵ با هدف افزایش سهم تولید داخلی در خرید کالا و خدمات آغاز کرد. در سال ۲۰۲۵، سهم محتوای داخلی در خرید کالا و خدمات آرامکو به ۷۰ درصد رسید؛ در حالی که این رقم در سال ۲۰۲۳ حدود ۶۵ درصد و در سال ۲۰۲۴ حدود ۶۷ درصد بود. هدف شرکت، رساندن این سهم به ۷۵ درصد تا سال ۲۰۳۰ است. آرامکو اعلام کرده برنامه ikvta تاکنون بیش از ۲۸۰ میلیارد دلار به تولید ناخالص داخلی عربستان افزوده و زمینه ایجاد بیش از ۲۰۰ هزار شغل مستقیم و غیرمستقیم را فراهم کرده است. همچنین بیش از ۹ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی از طریق این برنامه جذب شده است. شرکت بیش از ۲۰۰ فرصت بومی‌سازی در ۱۲ بخش اقتصادی شناسایی کرده که مجموعاً بازار سالانه آنها حدود ۲۸ میلیارد دلار برآورد می‌شود. این سیاست به بیش از ۳۵۰ سرمایه‌گذاری از ۲۵ کشور برای ایجاد ظرفیت‌های تولیدی در عربستان منجر شده و ۴۷ محصول استراتژیک که بیش از این در کشور تولید نمی‌شدند، بومی‌سازی شده‌اند. این بخش از عملکرد آرامکو نشان می‌دهد شرکت تلاش کرده مسئولیت اجتماعی را فقط به کمک‌های خیریه یا پروژه‌های عمرانی محدود نکند. این مفهوم وارد قراردادهای خرید، انتخاب تأمین‌کننده، توسعه صنایع داخلی، آموزش نیروی انسانی و سیاست اشتغال شده است. اما اینجا نیز یک ملاحظه انتقادی وجود دارد: بومی‌سازی زمانی به توسعه پایدار منجر می‌شود که شرکت‌های داخلی واقعاً توانمند شوند، رقابت شکل بگیرد و قرارداده‌ها به شبکه‌ای محدود از پیمانکاران نزدیک به شرکت ختم نشود. صرف اعلام سهم خرید داخلی، بدون انتشار اطلاعات درباره تعداد تأمین‌کنندگان، کیفیت قراردادها، مدت همکاری، سهم شرکت‌های کوچک و میزان انتقال فناوری، تصویر کاملی ارائه نمی‌دهد. در مورد شرکت ملی نفت ایران، اصل حمایت از ساخت داخل و استفاده از توان شرکت‌های ایرانی وجود دارد؛ اما گزارش عمومی و منسجمی که نشان دهد این سیاست چه میزان ارزش اقتصادی ایجاد کرده، چند شغل به وجود آورده، چه تعداد شرکت کوچک و متوسط را وارد زنجیره تأمین کرده و سهم خرید داخلی در طول زمان چگونه تغییر کرده است، به‌طور منظم منتشر نمی‌شود. ممکن است بخش مهمی از این فعالیت‌ها در عمل انجام شده باشد، اما وقتی داده‌ها منتشر نمی‌شوند، جامعه نمی‌تواند میان عملکرد واقعی، ادعاهای مدیریتی و تبلیغات سازمانی تفاوت بگذارد.

۱۶ مرکز آموزشی و ۸۵ هزار فارغ‌التحصیل

یکی دیگر از اجزای مدل آرامکو، اتصال آموزش به بازار کار است. آرامکو از شبکه‌ای شامل ۱۶ مرکز ملی آموزش حمایت می‌کند و اعلام کرده است از سال ۲۰۰۸ تاکنون بیش از ۸۵ هزار نفر در حدود ۱۰۰ رشته و تخصص از این مراکز فارغ‌التحصیل شده‌اند. در سال ۲۰۲۵ نیز ۹۰۰۹ درصد کارکنان آرامکو سعودی بوده‌اند. اهمیت این اعداد فقط در میزان اشتغال نیست. آموزش در این مدل به زنجیره تأمین متصل شده است؛ افزایش تولید داخلی به نیروی متخصص نیاز دارد. مراکز آموزشی این نیروی انسانی را تربیت می‌کنند و توسعه زنجیره تأمین برای آنها بازار کار ایجاد می‌کند. یعنی یک زنجیره شکل می‌گیرد:

خرید شرکت ← تولید داخلی ← آموزش مهارتی ← اشتغال ← افزایش درآمد و ظرفیت اقتصادی محلی.

مقایسه آرامکو و شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه در مناطق عملیاتی برنامه‌های آموزشی، کارآموزی و حمایت از دانشگاه‌ها و مراکز فنی دارند؛ اما اطلاعاتی مانند تعداد دقیق آموزش‌دیدگان، نرخ جذب آنها در بازار کار، سهم نیروهای بومی از استخدام‌ها و اثر این برنامه‌ها بر اقتصاد مناطق نفت‌خیز به صورت منظم و قابل مقایسه منتشر نمی‌شود. در نتیجه، حتی اگر فعالیت‌هایی مشابه وجود داشته باشد، نبود داده باعث می‌شود نتوان درباره اثربخشی آنها قضاوت کرد.

شرکت‌های کوچک: حلقه‌ای که در ایران دیده نمی‌شود

آرامکو برنامه Taleed را برای رشد شرکت‌های کوچک و متوسط طراحی کرده است. این برنامه از توسعه کسب‌وکار و شبکه‌سازی تا جذب سرمایه و توسعه بازار را پوشش می‌دهد.

در سال ۲۰۲۵ یکی از برنامه‌های Taleed بیش از ۱۳۰۰ شرکت کوچک و متوسط را برای کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای تحت پوشش قرار داد. این شرکت‌ها برای تعیین خط پایه انتشار، تدوین اهداف کاهش انتشار، تهیه نقشه راه خالص صفر و افزایش بهره‌وری انرژی حمایت شده‌اند. در اینجا سیاست محیط‌زیستی از سیاست توسعه کسب‌وکار جدا نیست؛ شرکت‌های کوچک داخلی هه‌زمان با ورود به زنجیره اقتصادی، برای تطبیق با استانداردهای محیط‌زیستی آماده می‌شوند. در ایران، شرکت ملی نفت و شرکت‌های تابعه با پیمانکاران و سازندگان داخلی همکاری گسترده دارند، اما گزارش عمومی جامعی وجود ندارد که نشان دهد چند شرکت کوچک و متوسط از این همکاری‌ها بهره برده‌اند، چه میزان قرارداد به آنها رسیده، چه تعداد شغل ایجاد شده و این شرکت‌ها تا چه اندازه توانسته‌اند از وابستگی به قراردادهای دولتی فراتر بروند. این تفاوت مهم است. آرامکو برای بخشی از برنامه‌های خود عدد، هدف و روند سالانه ارائه می‌کند؛ در ایران معمولاً خبر اجرای پروژه منتشر نمی‌شود، اما داده‌ای درباره نتیجه، هزینه، اثر اقتصادی و میزان تحقق هدف در دسترس نیست.

۵۴۱ میلیون دلار؛ در برابر سکوت آماری

براساس گزارش پایداری ۲۰۲۵ آرامکو، میزان سرمایه‌گذاری اجتماعی شرکت در این سال ۵۴۱ میلیون دلار بوده است. این رقم در سال ۲۰۲۴ حدود ۵۸۳ میلیون دلار و در سال ۲۰۲۳ حدود ۴۷۵ میلیون دلار گزارش شده است. این رقم یک رفسصل مستقل در صورت سود و زیان آرامکو نیست، بنابراین مقایسه آن با بودجه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های دیگر فقط زمانی معتبر است که شرکت مقابل نیز رقم خود را با تعریف و روش محاسبه مشابه منتشر کرده باشد. درباره شرکت ملی نفت ایران، رقم سالانه‌ای با همین عنوان و با همین سطح از شفافیت در یک گزارش پایداری رسمی و قابل دسترسی منتشر نمی‌شود. ممکن است هزینه‌های اجتماعی از مسیرهای مختلف انجام شوند؛ از بودجه شرکت‌های تابعه و مناطق نفت‌خیز تا اعتبارات وزارت نفت، مسئولیت‌های اجتماعی پروژه‌ها یا توافق با استانداردی‌ها و فرمانداری‌ها. اما نبود چارچوب گزارش‌دهی واحد، جمع‌کردن این ارقام و مقایسه آنها را دشوار یا ناممکن می‌کند. گزاره دقیق این نیست که «آرامکو مسئولیت اجتماعی دارد و شرکت ملی نفت ایران ندارد»؛ گزاره دقیق‌تر این است: آرامکو درباره بخشی از هزینه‌ها و نتایج مسئولیت اجتماعی خود گزارش رسمی، عددی و قابل پیگیری منتشر می‌کند؛ شرکت ملی نفت ایران چنین گزارش جامع، منظم و قابل مقایسه‌ای منتشر نمی‌کند.

این تفاوت، تفاوت میان «انجام فعالیت» و «پاسخگوبودن درباره فعالیت» است.

پروژه‌های زیرساختی؛ حلقه مفقوده یا هزینه‌های پراکنده؟

یکی از انتقادهای جدی به مدل‌های مسئولیت اجتماعی شرکت‌های نفتی این است که پروژه‌های نمایشی و کوتاهمدت گاهی جای سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی را می‌گیرند.

جامعه محلی ممکن است به مدرسه، درمانگاه یا کمک نقدی نیاز داشته باشد، اما در بسیاری از مناطق نفت‌خیز مسئله اصلی چیز دیگری است: آب پایدار، شبکه فاضلاب، جاده آسمن، حمل‌ونقل عمومی، برق پایدار، اینترنت، مدیریت پسماند، احیای زمین‌های آلوده و ایجاد شغل پس از پایان عمر میدان. این پروژه‌ها پرهزینه‌تر، زمان‌برتر و کم‌جذاب‌تر از افتتاح یک ساختمان یا اجرای یک برنامه تبلیغاتی‌اند؛ اما اثر آنها بر کیفیت زندگی ماندگارتر است. درباره آرامکو نیز می‌توان پرسید چه سهمی از ۵۴۱ میلیون دلار سرمایه‌گذاری اجتماعی به زیرساخت‌های عمومی و بلندمدت اختصاص یافته و چه سهمی صرف برنامه‌های کوتاهمدت، کمک‌های موردی، رویدادها یا پروژه‌هایی شده که سنجش اثر آنها دشوار است. گزارش شرکت درباره حوزه‌های مختلف فعالیت اطلاعاتی ارائه می‌کند، اما برای قضاوت دقیق‌تر باید جزئیات بیشتری درباره هزینه هر پروژه، عمر مفید، هزینه نگهداری، ذی‌نفعان و ارزیابی مستقل منتشر شود.

گزارش کامل را در سایت شرق بخوانید

۷				۱	۵
	۶	۳		۴	
۸			۱		۴
	۹		۵		۲
		۶	۳		
۳		۴			۸
	۶		۸	۲	۴
					۱

۶		۳		۴	۵
۴		۱	۶		
		۸	۴		۷
	۲		۴	۱	۲
			۹		۳
	۷				
۸	۶	۲	۴		
				۶	۹
		۳	۴		۸

سودوکو سخت ۴۴۰۱

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی

ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار

است و امروزه به جدولی از اعداد

گفته می‌شود که به عنوان یک

سرگرمی رایج در نشریات کشورهای

مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۴۴۰۰

۱	۲	۵	۴	۳	۷	۹	۱	۶	۸
۳	۴	۲	۱	۷	۵	۶	۸	۹	۳
۷	۸	۹	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲
۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱

۱	۲	۵	۴	۳	۷	۹	۱	۶	۸
۳	۴	۲	۱	۷	۵	۶	۸	۹	۳
۷	۸	۹	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۷
۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲
۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴	۵
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳	۴
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲	۳
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱	۲
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱

حل جدول ۵۴۰۴

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲		